

صحيفة الحسن عليه السلام

[45] وعدهء ازدواج با یزید و دادن صد هزار درهم را داد، ولی پس از شهادت امام

ودرخواست جعهء برای ازدواج با یزید گفت: ما دوست داریم یزید زنده بماند و اگر او را دوست نمی داشتیم بنا به وعده اُی که داده بودیم تو را به عقدش در می آوردیم. امام حسین علیه السلام پیکر برادرش را به همراه دیگر نزدیکان تجهیز کرد، مردم برای تشییع سبط اکبر پیامبر به مدینه آمدند، پیکر امام را برای برگزاری نماز به مسجد بردند و امام حسین علیه السلام بر آن نماز گذارد، آنگاه جنازه حضرت را نزدیک قبر پیامبر بردند تا با جدش تجدید عهد کرده و در جوار آن حضرت او را دفن کنند، آتش حسد و کینه در دل بنی امیه برخاست چرا که عثمان در حاشیهء گورستان یهودیان خاک سپرده شده بود، از اینرو مروان بن حکم و سعید بن عاص نزد عایشه رفته تا از او یاری بگیرند، عایشه نیز که قلبش از کینه به این خاندان پر بود از مروان پرسید: چه کنم، او گفت: نزد حسین برو و او را از این کار منع نما، از اینرو به مسجد آمد و فریاد زد: کسی را که دوست نمی دارم وارد خانه ام نکنید و بدانید اینکار انجام نمی یابد مگر اینکه گیسوانم پریشان شود و اشاره به پیشانیش نمود. امام حسین علیه السلام بنا به وصیت برادر بزرگش برای جلوگیری از خونریزی، آن حضرت را به بقیع برد و در کنار قبر مادر بزرگش فاطمه بنت اسد دفن نمود، رحمت خدا بر او باد آنگاه که بدنیا آمد، و آن هنگام که شهید شد، و آنگاه که برای انتقام از دشمنانش در پیشگاه عدل الهی حاضر می گردد، می توان پرسید:
